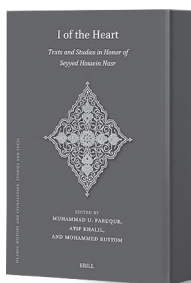




درباره «من دل: متون و مطالعاتی در پاسداشت سید حسین نصر»^۱

نوشته مهدی فدایی مهربانی^۲



۱. کتاب: *I of the Heart: Texts and Studies in Honor of Seyyed Hossein Nasr*
(من دل: متون و مطالعاتی در پاسداشت از سید حسین نصر).
در سال ۲۰۲۵، از سوی انتشارات بریل منتشر شده است.
۲. عضو هیئت علمی دانشکده حقوق دانشگاه تهران.

10.30484/jii.2026.3378 | fadaiemehdi@yahoo.com

• استناد: فدایی مهربانی، مهدی (۱۴۰۵). درباره «من دل: متون و مطالعاتی در پاسداشت سید حسین نصر». *مجله مطالعات ایرانی - اسلامی*. (۲) ۱۶. ص ۴۶-۵۹.

کتاب «من دل» به مثابه یک ارج‌نامه علمی است که سهم عظیم سید حسین نصر در فلسفه اسلامی، عرفان، علم و هنر را به تصویر می‌کشد. مقاله‌های کتاب اثر جامعی را شکل داده‌اند که بر اهمیت میراث فکری اسلامی یعنی سنت عرفانی، فلسفی و علمی تأکید می‌کنند. نصر، از طریق آثار خود، به این نکته توجه داده است که فهم عمیق سنت اسلامی می‌تواند پاسخ‌هایی به پرسش‌های عصر مدرن، به ویژه در زمینه‌هایی مثل علم، اخلاق و زیست‌محیطی، ارائه دهد.

کتاب «من دل: متون و مطالعاتی در پاسداشت سید حسین نصر» یک یادنامه^۱ است که با انگیزه پاسداشت دکتر سید حسین نصر، فیلسوف، متأله و استاد برجسته دانشگاه جرج واشنگتن و از برجسته‌ترین چهره‌های فلسفه و عرفان اسلامی در جهان معاصر، تدوین شده است. کتاب از سوی انتشارات بریل در ۸۸۳ صفحه در سال ۲۰۲۵ منتشر شده است و عنوان آن به خوبی بر جنبه عرفانی و باطنی اندیشه نصر دلالت دارد. این اثر به عنوان جلد ۲۲۱ از مجموعه پرآوازه «تاریخ و تمدن اسلامی» انتشارات بریل منتشر شده و محمد یوسف فاروق، عاطف خلیل و محمد رستم وظیفه سرویراستاری آن را برعهده داشته‌اند، و مشتمل بر چهار مقاله پژوهشی است که استادان برجسته اسلام‌شناس، از جمله ویلیام چیتیک، جیمز موریس، ساجیکو موراتا، جان والبریج، غلامرضا اعوانی، جوزف لامبارد، لیلی انور، شفیق ویرانی و جمعی دیگر در آن مقاله نگاشته‌اند.

ما در این مقاله به بررسی مقالات و فصول این کتاب ارزشمند خواهیم پرداخت. ساختار کتاب در شش بخش اصلی طراحی شده که بازتاب‌دهنده گستره وسیع و بین‌رشته‌ای علایق و دستاوردهای علمی نصر است: نظریه صوفیانه، عمل صوفیانه، فلسفه و ریاضیات و علم، فقه و کلام و تفسیر، هنر و آموزش و اخلاق، و سرانجام شعر و علم و اقتصاد. این تقسیم‌بندی هوشمندانه، سیر معناداری از سطوح مختلف معرفت، از نظر تا عمل و از تجرید تا عینیت را دنبال می‌کند.

1. Festschrift

اهمیت این کتاب تنها در تجلیل از یک شخصیت علمی نیست، بلکه در بازنمایی یک الگوی فکری زنده و اثرگذار است. مقالات گردآوری شده، که از سوی گروهی از نام‌آوران عرصه مطالعات اسلامی به رشته تحریر درآمده‌اند، هریک به شکلی به بسط یا نقد یکی از محورهای اساسی اندیشه نصر می‌پردازند. برای نمونه، مقالات بخش عرفان، بر جایگاه محوری مفاهیمی چون: وحدت وجود و معرفت‌شناسی شهودی در نظام فکری وی تأکید دارند. بخش فلسفه و علم، به دغدغه همیشگی نصر در بازخوانی و احیای «علم سنتی» در تقابل با علم مدرن غربی می‌پردازد. بخش هنر، بازتاب‌دهنده دیدگاه او درباره «هنر قدسی» به مثابه تجلی امر متعالی در جهان مادی است. و در نهایت، مقالات بخش پایانی که به طور مستقیم به تحلیل و نقد آرای نصر درباره علم، اقتصاد و حتی اشعار خود او اختصاص یافته، گواهی است بر زنده بودن و تأثیرگذاری مستمر این اندیشه در کرسی‌های آکادمیک.

در مقاله هشتم، جوزف لامبارد، با استناد به دیدگاه‌های ابن‌عجیبه (شاعر و صوفی مراکشی سده سیزدهم) توضیح می‌دهد که «همه معرفت، نوری از انوار الهی است» و سه ساحت هستی - ملک، ملکوت و جبروت - صورت‌های مختلف ادراک حقیقت واحدند. او نشان می‌دهد که در عرفان شمال آفریقا، جهان، مراتب ظهور نور الهی است و معرفت، پرتوی از نور محمدی شمرده می‌شود.

در مجموع، این یادنامه را می‌توان چیزی فراتر از یک مجموعه مقاله و نقشه‌ای جامع و نظام‌مند از جغرافیای فکری سیدحسین نصر و میراثی دانست که برای نسل‌های آینده دانش‌پژوهان بر جای گذاشته است. مطالعه این اثر نه تنها برای علاقه‌مندان به اندیشه نصر، که برای هر پژوهشگری که قصد درک جریان‌های اصلی فلسفه و عرفان اسلامی در دوران معاصر را دارد، ضروری به نظر می‌رسد.

بخش‌های کتاب

بخش اول: نظریه صوفیانه^۱

این بخش به مبانی عرفان نظری می‌پردازد و مفاهیم بنیادینی مانند خودشناسی، عشق، وجود و نقش انسان کامل را در مکاتب مختلف عرفانی اسلامی مورد کاوش قرار می‌دهد. درواقع، هدف این بخش تبیین اصول، ساختار و جهان‌بینی عرفان با

محوریت مکاتب عرفانی ابن عربی، قونوی و دیگر متفکران بزرگ صوفیه است. در این بخش، نقطه مرکزی، رابطه وجود، تعین، و بی‌تعینی است، به گونه‌ای که قونوی به جای تقسیم فلسفی وجوب و امکان، تمایز میان تعین و بی‌تعینی را جوهر هستی می‌داند؛ یعنی واقعیت نهایی، نه در تعین بلکه در مبنای مطلق و نامحدود بی‌تعینی و حقیقت الهی نهفته است. این ایده بعدها مورد بحث نویسندگانی چون ویلیام چیتیک قرار گرفت که آرای ابن عربی و قونوی را در آثارشان تبیین می‌کنند.

پرسش محوری این بخش آن است که انسان، جهان و حقیقت واحد الهی چگونه در اندیشه صوفیانه تعریف می‌شوند. محمد فاروق در فصل نخست، با طرح ایده «خود انسان - جهان‌مند»^۱ توضیح می‌دهد که انسان در عرفان اسلامی، نه موجودی مجزا از عالم، بلکه آینه تمام‌نمای هستی است و به واسطه روح الهی، نسبت وجودی او با جهان، نسبتی وحدانی است.

مقاله سوم از غلامرضا اعوانی به «الهیات شعری توحید در مثنوی مولانا» می‌پردازد. نویسنده نشان می‌دهد که چگونه مولوی از طریق تصویرهای شاعرانه - مانند آهن سرخ‌شده در آتش یا رنگ‌آمیزی در صبغة‌الله - توحید وجودی را توضیح می‌دهد؛ یعنی اینکه همه کثرات، تجلیات اسمای الهی‌اند و عاشق واصل در آتش محبت، عین حقیقت واحد می‌شود.

از دیگر مقالات جالب توجه این بخش مقاله پنجم، نوشته ویلیام چیتیک است که به تبیین اندیشه ابن عربی و فرغانی درباره «خاتمیت آگاهی» می‌پردازد. چیتیک نشان می‌دهد که نزد این متفکران، وحدت وجود نه نظریه‌ای فلسفی، بلکه واقعیتی آگاهی‌محور است؛ همه هستی درجاتی از «یافتن و یافته شدن» است، و شناخت حقیقی تنها از طریق آگاهی الهی ممکن می‌شود.

ساجیکو موراتا نیز، همچون همسرش چیتیک، مقاله‌ای درخور توجه نگاشته است. او شرح می‌دهد که چگونه «متافیزیک وجودی جامی» در چین مسلمان به زبان بومی ترجمه و بازسازی شد. او نشان می‌دهد که انتقال مفاهیم پیچیده وحدت وجود به زبان چینی چگونه انجام گرفت و تا چه اندازه رنگ و بوی فرهنگی جدید یافت.

در مقاله هشتم، جوزف لامبارد، با استناد به دیدگاه‌های ابن‌عجیبه (شاعر و صوفی مراکشی سده سیزدهم) توضیح می‌دهد که «همه معرفت، نوری از انوار الهی است» و سه ساحت هستی - ملک، ملکوت و جبروت - صورتهای مختلف ادراک حقیقت واحدهند. او نشان می‌دهد که در عرفان شمال آفریقا، جهان، مراتب ظهور نور الهی است و معرفت، پرتوی از نور محمدی شمرده می‌شود.

اهمیت این کتاب تنها در تجلیل از یک شخصیت علمی نیست، بلکه در بازنمایی یک الگووارهٔ فکری زنده و اثرگذار است. مقالات گردآوری شده، که از سوی گروهی از نام‌آوران عرصهٔ مطالعات اسلامی به رشتهٔ تحریر درآمده‌اند، هریک به شکلی به بسط یا نقد یکی از محورهای اساسی اندیشهٔ نصر می‌پردازند.

مقالات این بخش به ترتیب عبارت‌اند از:

۱. تصوّف و خود انسان - کیهانی، به قلم محمد یوسف فاروق؛^۱
۲. دربارهٔ محدودیت‌های استدلال در دیوان عطار: معرفت متعالی در خراسان پساکلاسیک که سیروس علی زرگر نگاشته است؛^۲
۳. تالّه - شاعرانگی وحدت الهی در مثنوی مولوی، نویسنده: غلامرضا اعوانی؛^۳
۴. جهان پیش از کلمه: وجود و مرتبهٔ عدم در آثار ابن عربی، نوشتهٔ دنیا راشیچ؛^۴
۵. در پایان، آگاهی خواهد بود: نظر فرغانی دربارهٔ هستی‌شناسی نفس، به قلم ویلیام چیتیک؛^۵
۶. مابعدالطبیعهٔ وجودی جامی به زبان چینی، نوشتهٔ ساجیکو موراتا؛^۶
۷. ترجمهٔ فارسی داراشکوه از اوپانیساد تایتیریّه، اثر شانکار نایر؛^۷
۸. همهٔ دانش، نوری از انور اوست: نقش حقیقت محمدیه در علوم اسلامی، نوشتهٔ جوزف ئی. بی. لامبارد.^۸

بخش دوم: عمل صوفیانه^۹

این بخش بر جنبه‌های عملی و اخلاقی سیر و سلوک عرفانی، از قبیل ذکر، تواضع، فقر و شناخت نفس تمرکز دارد. بخش اول کتاب به «بنیادهای نظری عرفان» می‌پردازد، و بخش دوم دربارهٔ عمل و تجربهٔ سلوکی در تصوّف است. مضمون مشترک هفت فصل این بخش آن است که سلوک معنوی صوفی در عمل، نه فقط محصول نظریه، بلکه نتیجهٔ تجربهٔ عینی، تهذیب نفس، ذکر، فقر، خوف، عشق و مشاهدهٔ عالم است. به این ترتیب، بخش دوم نشان می‌دهد که عرفان اسلامی فقط جهان‌بینی نیست، بلکه نوعی «طرز زیستن» است. خلیل در نخستین مقالهٔ این بخش با تکیه بر آثار ابن قیم جوزیه بحث می‌کند که چگونه ذکر، موجب «اطمینان قلب» می‌شود. او توضیح می‌دهد که در نگاه ابن

1. Sufism and the Anthropocosmic Self, by Muhammad U. Faruque.

2. On the Limits of Reasoning in Attar's Diwan: Transcendent Knowledge in Post - classical Khurasan, by Cyrus Ali Zargar.

3. The Theo - Poetics of Divine Unity in Rūmī's Mathnavi, by Gholamreza Aavani.

4. The World before the Word: Existence and the State of Nonexistence in Ibn 'Arabī's Works, by Dunja Rašić.

5. In the End Will Be Consciousness: Farghānī on the Ontology of the Soul, by William C. Chittick.

6. Jāmī's Wujūdī Metaphysics in Chinese, by Sachiko Murata.

7. Dārā Shukūh's Persian Translation of the Taittirīya Upaniṣad, by Shankar Nair.

8. All Knowledge Is Light from His Light: The Role of the Muhammadan Reality in the Islamic Sciences, by Joseph E.B. Lumbard.

9. Sufi Praxis.

قیم، ذکر دو نوع دارد: یاد انسان از خدا و یاد خدا از انسان، و این دومی سرچشمه آرامش حقیقی است. او سپس نشان می‌دهد که بزرگانی مانند غزالی، ذکر را «ورود به حرم الهی» می‌دانستند، که با خشوع، خشیت و حضور قلب همراه است. او تأکید دارد که ذکر، عمل محوری سلوک است؛ حضور خدا در قلب، سرچشمه آرامش و تحول باطنی است.

از دیگر مقالات جالب توجه این بخش مقاله پنجم، نوشته ویلیام چیتیک است که به تبیین اندیشه ابن عربی و قرغانی درباره «خاتمیت آگاهی» می‌پردازد. چیتیک نشان می‌دهد که نزد این متفکران، وحدت وجود نه نظریه‌ای فلسفی، بلکه واقعیتی آگاهی‌محور است؛ همه هستی درجاتی از «یافتن و یافتن شدن» است، و شناخت حقیقی تنها از طریق آگاهی الهی ممکن می‌شود.

محمد مهدی علی در مقاله خود، کتاب ذم تکبر العلماء، از ابو عبدالرحمن سلمی را تحلیل می‌کند. او نشان می‌دهد که سلمی، تکبر را خطر بزرگ اهل علم می‌داند و آن را ریشه بسیاری از آفات اخلاقی معرفی می‌کند. نویسنده با استناد به آثار محاسبی و غزالی، نشان می‌دهد که عجب (خودپسندی) ریشه تکبر است و باید ابتدا آن را شناخت و درمان کرد. ایده اصلی این است: علم بدون تهذیب نفس، منشأ آفات و سقوط معنوی است؛ خودشناسی شرط سلوک است.

جیمز موریس در مقاله خود بخشی از فتوحات مکیه را تحلیل می‌کند که ابن عربی در آن توضیح می‌دهد: ضعف انسان، ترس او، و میل او، ابزارهای اصلی شناخت‌اند، نه موانع آن. او نشان می‌دهد که ابن عربی برخلاف نگاه زاهدانه رایج، جهان این جهانی و تجربه‌های دشوار آن را میدان تجلی اسمای الهی می‌داند و انسان باید در همان زندگی روزمره خدا را بیابد.

مقالات این بخش به ترتیب عبارت‌اند از:

۹. آرامش ذکر [خدا]، به قلم عاطف خلیل^۱

۱۰. کتاب مذمت تکبر علما از سلمی، اثر محمد مهدی علی^۲

۱۱. عبادت و مابعدالطبیعه در منقبتی منسوب به عبدالقادر گیلانی نوشته

گرگوری وندام^۳

۱۲. فقر از دیدگاه ابن عربی، نوشتهٔ دنیس گریل؛^۱

۱۳. ضعف، ترس، میل: ابن عربی دربارهٔ مقدمات زمینی تشخیص روحانی، اثر جیمز موریس؛^۲

۱۴. ادراک طبیعت: مولوی دربارهٔ هدف انسانی و دعای کیهانی، اثر منجد م. مراد؛^۳

۱۵. از صورت‌های زیبایی تا آفرینندهٔ همهٔ زیبایی‌ها: لیلی و مجنون در شعر فارسی، نگاشتهٔ لیلی انور.^۴

بخش سوم: فلسفه، ریاضیات، علم^۵

این بخش گسترهٔ وسیعی از موضوعات عقلانی در تمدن اسلامی، از هستی‌شناسی و عشق تا نجوم را در بر می‌گیرد. این بخش نشان می‌دهد که سنت‌های صوفیانه، فلسفی و دانش‌های عقلی (ریاضیات، نجوم، منطق) در جهان اسلام به گونه‌ای عمیق و پیوسته با هم درآمیخته‌اند. مقالات بخش سوم از منظر تاریخی و متنی بررسی می‌کنند که چگونه متفکران اسلامی (از اخوان‌الصفا تا ابن‌سینا، سهروردی، فخر رازی، قوشچی، و ملاصدرا) علوم ریاضی و طبیعی، مسائل هستی‌شناختی و الهیاتی، و نیز پرسش‌های نحوی - زبانی را به‌عنوان بخشی از پروژهٔ معرفتی واحد پیوند زده‌اند. بعضی مقالات نشان می‌دهند که ریاضیات و اعداد نزد برخی جریان‌ها نقش نمادین و جادویی هم داشته‌اند، برخی دیگر نسبت دین و فلسفه/ علم را در متون خاص بازمی‌تابانند و برخی نیز بُعد اجتماعی - تأثیرپذیری متن‌های فارسی از علوم عثمانی را پی می‌گیرند.

زایدی، در مقالهٔ خود، نشان می‌دهد که رسائل ریاضی/اخوان‌الصفا فقط مجموعه‌ای از قواعد حساب و هندسه نبوده‌اند، بلکه برخوردی «هستی‌شناسانه» نسبت به اعداد و اشکال ارائه می‌دادند: اعداد و هندسه هم نقش معرفتی (توصیف جهان موجودات) و هم نقش آیینی / اثراتی جادویی (یعنی به کاربرد نمادها و اعداد در مناسک یا دعاها) داشته‌اند. او منابع یونانی (اقلیدس و نیکوماخوس از جراسا) و نیز رگه‌هایی از اندیشهٔ فیثاغورسی - هرمتیک را در پایه‌گذاری این رویکرد نشان می‌دهد و استدلال می‌کند که پژوهش اخوان هم‌زمان علمی، فلسفی و دینی است. خلاصهٔ تحلیلی او بخش وسیعی از را می‌کود و تأکید می‌کند که خوانش درست آن متون بدون رسالهٔ حساب و هندسهٔ اخوان‌الصفا درک پس‌زمینهٔ نمادین/متافیزیکی ممکن نیست.

شفیق ویرانی، در مقالهٔ خود، بخشی از متون ناصرخسرو را بازخوانی کرده است تا نشان دهد تفکیک لذت‌های حسی و معنوی در سنت فلسفی - شیعی او چگونه سازمان یافته است. او فصل منتخب از کتاب زادالمسافر را ترجمه و تحلیل کرده و

1. La pauvreté selon Ibn 'Arabi, by Denis GRIEL.
2. Weakness, Fear, Desire: Ibn 'Arabi on the Earthly Premises of Spiritual Discernment, by James Morris.
3. Perceiving Nature: Rûmî on Human Purpose and Cosmic Prayer, by Munjed M. Murad.
4. From the Forms of Beauty to the Creator of All Beauty: Laylî o Majnûn in Persian Poetry, by Leili Anvar.
5. Philosophy, Mathematics, Science.

نشان می‌دهد که ناصر خسرو لذت معنوی (که به یاد خدا، عبادت، و معرفت مربوط است) را نه به عنوان انکار لذت حسی، بلکه به عنوان ارتقای «شکل» و «کیفیت» لذت تبیین می‌کند؛ یعنی لذت حسی می‌تواند به وسیلهٔ ابتنا بر نظم معرفتی و اخلاقی به لذت والا تر تبدیل شود.

جان والبریج نیز به خوانش ابن کُمّونه از تلویحات سهروردی می‌پردازد و موضوع اصلی او آن است که چگونه مسئلهٔ زبان و تفاوت‌های زبانی^۱ در فهم متون اشراقی اهمیت دارد. او نشان می‌دهد که ابن کُمّونه در تعلیقاتش هم به تورات معنایی و هم به اختلاف لغوی بین عربی و فارسی (و بین سنت‌های تفسیری مختلف) توجه داشته و تلاش می‌کند که لایه‌های اشاری سهروردی را در چهارچوب اصطلاحات فلسفی زمان خود توضیح دهد. نتیجه‌گیری والبریج آن است که خوانش متون اشراقی بدون حساسیت به مسائل زبانی دچار سوءفهم می‌شود.

جیمز موریس در مقالهٔ خود بخشی از فتوحات مکیه را تحلیل می‌کند که ابن عربی در آن توضیح می‌دهد: ضعف انسان، ترس او، و میل او، ابزارهای اصلی شناخت‌اند، نه موانع آن. او نشان می‌دهد که ابن عربی برخلاف نگاه زاهدانهٔ رایج، جهان این جهانی و تجربه‌های دشوار آن را میدان تجلی اسماء الهی می‌داند و انسان باید در همان زندگی روزمره خدا را بیابد.

مقالات این بخش عبارت‌اند از:

۱۶. هستی‌شناسی و نظریه در رساله‌های ریاضی اخوان الصفا نوشتهٔ سید ا.ح.

زیدی؛^۲

۱۷. رسالهٔ ابن سینا در باب عشق و الهیات ارسطو^۳ اثر کوین کوریگان^۴ و سید

ا.ح. زیدی؛^۵

۱۸. نظر ابن سینا دربارهٔ زیارت، اثر وینای کتیا؛^۶

۱۹. لذات - حسی و روحانی: فصلی از زاد/المسافر ناصر خسرو، نوشتهٔ شفیق ن. ویرانی؛^۷

۲۰. پند سهروردی به نیازمندان، اثر جاستین کانسلیره؛^۸

۲۱. قیدها، پرواز، آزادی: ترجمه‌ای جدید از رسالهٔ الطیر، به قلم محمد رستم؛^۹

1. Linguistic difference.
2. Ontology and Theory in the Brethren of Purity's Mathematical Treatises, by Syed A.H. Zaidi.
3. Ibn Sina's Treatise on Love and the Theology of Aristotle.
4. Kevin Corrigan.
5. Syed A.H. Zaidi.
6. Ibn Sina on Ziyāra, by Vinay Khetia.
7. Pleasures—Sensual and Spiritual: A Chapter from Nāṣir-i Khusrāw's Pilgrims' Provision, by Shafique N. Virani.
8. Suhrawardī's Advice to the Needy, by Justin Cancelliere.
9. Fetters, Flight, Freedom: A New Translation of Suhrawardī's Risālat-i Tayr, by Mohammed Rustum.

شفیق ویرانی، در مقاله خود، بخشی از متون ناصر خسرو را بازخوانی کرده است تا نشان دهد تفکیک لذت‌های حسی و معنوی در سنت فلسفی شیعی او چگونه سازمان یافته است. او فصل منتخب از کتاب زاد/المسافر را ترجمه و تحلیل کرده و نشان می‌دهد که ناصر خسرو لذت معنوی (که به یاد خدا، عبادت، و معرفت مربوط است) را نه به عنوان انکار لذت حسی، بلکه به عنوان ارتقای «شکل» و «کیفیت» لذت تبیین می‌کند؛ یعنی لذت حسی می‌تواند به وسیلهٔ ابتدا بر نظم معرفتی و اخلاقی به لذت والا تبدیل شود.

۲۲. زبان و تفاوت زبانی در شرح ابن کمونه بر تلویحات سهروردی، اثر جان والبریج؛^۱

۲۳. برخی گزاره‌های کلامی و فلسفی از السّر المکتوم فخرالدین رازی، اثر محمد فریدالدین عطار؛^۲

۲۴. کاوش در اهمیت آثار فارسی در نجوم عثمانی: بر اساس رساله در علم هیئت علی قوشچی، نگاشتهٔ حسان اوموت؛^۳

۲۵. تاریخ مقدس و آخرت‌شناسی از منظر فلسفه: شرح ملاصدرا بر دو حدیث دربارهٔ امام دوازدهم در شرح اصول کافی، به قلم ماریا ماسی داکاکه؛^۴

۲۶. انکار حرکت: ردّ سینیوی لاهیجی بر حرکت جوهری، اثر دولت دادخدا.^۵

بخش چهارم: فقه، کلام، تفسیر

این بخش به مطالعات دینی کلاسیک با تمرکز بر سیر تطوّر فقه، الهیات و تفسیر قرآن می‌پردازد. بخش چهارم نشان می‌دهد که چگونه فقه، کلام و تفسیر قرآن در تاریخ اسلام، نه حوزه‌هایی جدا، بلکه کاملاً درهم‌تنیده و متأثر از سنت‌های عرفانی، حقوقی و سیاسی بوده‌اند. این فصل‌ها از اوایل اسلام تا دوره‌های متأخر را پوشش می‌دهند و نشان می‌دهند که شکل‌گیری فقه اولیه چگونه به شخصیت‌های محوری چون عطاء بن ابی رباح وابسته بود. او از نخستین معماران فقه اسلامی در مکه و از بزرگ‌ترین حلقه‌های رابط میان صحابه و طبقهٔ بعدی فقیهان محسوب می‌شود.

شرمن جکسون در مقاله خود به نقد این تصور پرداخته است که «اشاعره عقل را کاملاً در تشخیص حُسن و قبح نفی کرده‌اند». او به خوانش دقیق‌تر اشاعره دعوت کرده و نشان می‌دهد متونی مانند آثار جوینی و غزالی دیدگاه پیچیده‌تری دارند؛ آنها می‌گویند: عقل می‌تواند حُسن و قبح نسبی را درک کند.

1. Language and Linguistic Difference in Ibn Kammūna's Commentary on Suhrawardī's Talwīḥāt, by John Walbridge.
2. Some Theological and Philosophical Passages from Fakhr al-Dīn al-Rāzī's al-Sirr al-Makṭūm, by Muhammad Farīduddīn Attār.
3. Exploring the Importance of Persian Works in Ottoman Astronomy: The Case of 'Alī Qūshjī's Risāla dar 'Ilm-i Hay'a, by Hasan Umut.
4. Sacred History and Eschatology through the Lens of Philosophy: Mullā Ṣadrā's Commentary on Two Traditions about the Twelfth Imam in Sharḥ Uṣūl al-Kāfi, by Maria Massi Dakake.
5. Motion Denied: Lāhijī's Avicennan Refutation of al-Ḥaraka al-Jawhariyya, by Davlat Dadikhuda.
6. Law, Theology, Exegesis.
7. The Life and Legacy of 'Atā' b. Abī Rabāḥ (d. 114/732), by Asma Afsaruddin.

اما الزام شرعی بر اساس وحی است، نه عقل. مقاله همچنین بیان می کند که اخلاق در سنت اشعری، اخلاقی الهی - فرمان محور است، نه اخلاقی صرفا عقلانی.

در نگاه ابن قیم، ذکر دو نوع دارد: یاد انسان از خدا و یاد خدا از انسان، و این دومی سرچشمه آرامش حقیقی است. بزرگانی مانند غزالی، ذکر را «ورود به حرم الهی» می دانستند، که با خشوع، خشیت و حضور قلب همراه است. ذکر، عمل محوری سلوک است؛ حضور خدا در قلب، سرچشمه آرامش و تحول باطنی است.

مقالات این بخش عبارت اند از:

۲۷. زندگی و میراث عطاء بن ابی رباح (در گذشته ۱۱۴ ق.)، نوشته اسماء افسرالدین؛^۷

۲۸. اثبات مقدم بر نفی: یک قاعده وحدت بخش و پربار در اندیشه اسلامی، جاناتان ای. سی. براون؛^۸

۲۹. ترسیم الهیات یک حکیم عارف: اشعری گرای ابوالقاسم قشیری، نوشته مارتین نگوین؛^۹

۳۰. اشعری گرایی و ادراک عقلی خوب و بد: بازبینی مجدد، اثر شرمین ای. جکسون؛^{۱۰}
۳۱. تفسیر شیعی در عصر اخباری: هاشم بحرانی و التفسیر المأثور، به قلم لیاقت تکیم؛^{۱۱}

۳۲. «یا محمد! یا علی!»: استغاثه در اندیشه و عمل اسلامی، به قلم خلیل آندانی؛^{۱۲}

بخش پنجم: هنر، آموزش، اخلاق^{۱۳}

این بخش به تجلیات فرهنگی و اخلاقی اندیشه اسلامی در حوزه های هنر، موسیقی، تعلیم و تربیت و فضیلت های اخلاقی می پردازد. این بخش، تنوعی چشمگیر از پژوهش ها درباره زیبایی شناسی اسلامی، موسیقی دینی، اصلاح آموزشی، سنت های اکولوژیک مسلمانان، و فضائل اخلاقی را گرد هم می آورد. خط محوری این مجموعه، این است که «زیبایی، تربیت، و اخلاق» در سنت اسلامی اموری جدا از هم نیستند، بلکه وجوهی از یک حقیقت واحدند که در انسان، طبیعت و جامعه جلوه می کند. مقاله سی و سوم مربوط به ملا شاه بدخشی تصویری از حضور قدسی و کاریزمای عرفانی او عرضه می کند؛ حضوری که نه تنها در سخنان و نوشته های او، بلکه در نقاشی ها و چهره پردازی های عصر هند اسلامی

نمایان است. نویسنده نشان می‌دهد که چگونه دربار گورکانی، به‌ویژه در تعامل با سنت‌های صوفیانه، از طریق بازنمایی چهرهٔ اولیا در تصویرگری، به‌نوعی میان متن، تصویر و تقدس پیوند می‌زد. ملّا شاه در این روایت، نه‌تنها یک شیخ صوفی، بلکه نماد پیوند عمیق میان «قدرت قدسی» و «زیبایی بصری» است؛ انسانِ قدسی‌ای که حضورش در آثار هنری به‌صورت نشانه‌های نورانی، جلوه‌های سلوکی و نشانه‌های تربیتی خوانده می‌شود.

جان والبریج نیز به خوانش ابن‌گمّونه از تلویحات سهروردی می‌پردازد و موضوع اصلی او آن است که چگونه مسئلهٔ زبان و تفاوت‌های زبانی در فهم متون اشراقی اهمیت دارد. او نشان می‌دهد که ابن‌گمّونه در تعلیقاتش هم به تَوْرقِ معنایی و هم به اختلافِ لغوی بین عربی و فارسی (وبین سنت‌های تفسیری مختلف) توجه داشته و تلاش می‌کند که لایه‌های اشاری سهروردی را در چهارچوب اصطلاحات فلسفی زمانِ خود توضیح دهد. نتیجه‌گیری والبریج آن است که خوانشِ متونِ اشراقی بدون حساسیت به مسائل زبانی دچار سوءفهم می‌شود.

رانا شیه، در مقالهٔ موسیقی، دربارهٔ تجوید به جنبه‌های کمتر کاوش‌شدهٔ آوایی قرآن می‌پردازد. او توضیح می‌دهد که «موسیقیّت» تجوید - نه به معنای موسیقی‌سازی، بلکه به معنای نحوهٔ شکل‌گیری نغمه، وقف، مدّ و تحریر - واجد نظمی زیباشناختی و معنوی است.

مقاله نشان می‌دهد که استادان قدیم قرائت، دستگاهی صوتی - جسمانی می‌ساختند که هم‌زمان بر روان، اخلاق، و خشوع تأثیر می‌گذاشت. تجوید نه صرفاً فنّ تلاوت، بلکه نوعی تربیت حسی و اخلاقی است که شنونده را از سطح صوت به سطح معنا عبور می‌دهد. در مقالهٔ پایانی این بخش (حیا: کرامتِ شرم، فضیلت)، «حیا» با خوانشی نو عرضه می‌شود. نویسنده نشان می‌دهد که حیا در سنت اسلامی فضیلتی منفعل یا جنسیتی نیست، بلکه رکن بنیادی اخلاق انسانی است که رفتار فردی، رابطهٔ اجتماعی، و تجربهٔ حضور در برابر خدا را سامان می‌دهد. «حیا» در این مقاله به‌عنوان نوعی آگاهی وجودی تحلیل می‌شود؛ آگاهی‌ای که انسان را نسبت به موقعیت خود، حدود خود، و حرمت دیگران حساس می‌کند. به این ترتیب، حیا تبدیل به نوعی «زیبایی اخلاقی» می‌شود که هم‌زمان در تن، زبان، جامعه، و روح ظهور می‌کند.

شرمن جکسون در مقاله خود به نقد این تصور پرداخته است که «اشاعره عقل را کاملاً در تشخیص حُسن و قبح نفی کرده‌اند.» او به خوانش دقیق‌تر اشاعره دعوت کرده و نشان می‌دهد متونی مانند آثار جوبینی و غزالی دیدگاه پیچیده‌تری دارند؛ آنها می‌گویند: عقل می‌تواند حُسن و قبح نسبی را درک کند. اما الزام شرعی بر اساس وحی است، نه عقل.

مقالات این بخش عبارت‌اند از:

۳۳. ملّا شاه: حضوری عارفانه از طریق کلمه و تصویر در هندستان دوره آغازین عصر مدرن، نوشته مراد خان ممتاز؛^۱

۳۴. ملاحظات دربارۀ موسیقی تجوید، اثر رانا شیه؛^۲

۳۵. آموزش، اصلاح و نوسازی، نگاشته مختار ح. علی؛^۳

۳۶. زبان پرندگان: مولانا آزاد و بازیابی سنت بوم‌شناختی مسلمانان، به قلم آناند ویوک تانجا؛^۴

۳۷. الحیاء: کرامت شرم، اثر اولودامینو اوگونائوکه.^۵

بخش ششم: شعر، علم، اقتصاد^۶

این بخش با مقالاتی که مستقیماً به تحلیل و نقد میراث فکری سید سین نصر می‌پردازند، کتاب را به پایان می‌برد. این بخش سه حوزه متفاوت - شعر و معرفت عرفانی، نقد علم مدرن، و اقتصاد اسلامی - را گرد هم آورده است، اما روح مشترک همه آنها این است که بحران‌های عصر جدید از گسست میان انسان و امر قدسی پدید آمده‌اند و راه بازسازی این پیوند، گذر از نگاه تقلیل‌گرایانه مدرن و بازگشت به «نگاه توحیدی» است که سید حسین نصر نماینده برجسته آن است.

در مقاله نخست، نویسنده با تفسیر بین‌الدیانی از شعرهای نصر، شعر را راهی برای نزدیک شدن به ساحت حقیقت می‌بیند؛ زبانی که با رمز و استعاره، حقیقت وحدانی را آشکار می‌کند. او نشان می‌دهد که چگونه مضامین عرفانی شعر نصر - چون سُکر، شوق، فراق، و طلب قدسی - با سنت‌های ودانتایی هند قابل گفتگو است. در این نگاه، شعر نه زبانی برای توصیف جهان، بلکه زبانی برای عبور از جهان است. تمایز میان «عشق» و «بندگی» و تنشی که در ادبیات صوفیانه میان جرئت عاشق و تواضع بنده وجود دارد نیز در این تفسیر طرح می‌شود. نویسنده شعر نصر را راهی

1. Mullā Shāh: Saintly Presence through Word and Image in Early-Modern Hindustan, by Murad Khan Mumtaz.

2. Some Notes on the Music of Tajwid, by Rana Shieh.

3. Education, Reform, and Renewal, by Mukhtar H. Ali.

4. The Language of the Birds: Maulana Azad and the Recovery of Muslim Ecological Tradition, by Anand Vivek Taneja.

5. al-Hayā: The Dignity of Shame, by Oludamini Ogunnaika.

6. Poetry, Science, Economics.

برای بازیافتن زبان «ناگفتنی» و یادآور لحظه ازل می‌داند که نفس انسانی پیش از نزول به عالم ماده آن را چشیده است.

مقاله دوم به نقد علم مدرن از منظر نصر می‌پردازد. نویسنده با شرح مفصل، نشان می‌دهد که بن‌مایه نقد نصر متوجه «سلب قداست از طبیعت» است؛ یعنی طبیعت در نگاه علمی رایج، به مجموعه‌ای از پدیده‌های قابل اندازه‌گیری، و انسان به موجودی صرفاً مادی تقلیل یافته است. این دگرگونی معرفتی، به تعبیر مقاله، نه تنها به بحران معنوی، بلکه به بیگانگی انسان از خود و جهان و در نهایت به تخریب محیط زیست انجامیده است. نویسنده بیان می‌کند که نصر علم قدسی را بدیلی می‌داند که در آن طبیعت همچون آیه‌ای الهی فهم می‌شود و شناخت علمی با شناخت معنوی پیوند دارد. علم جدید به جای آنکه ابزار رهایی باشد، به سبب فقدان معنا گاه به «غیرانسانی‌سازی» می‌انجامد، زیرا هرچه غیرقابل اندازه‌گیری است کنار گذاشته می‌شود: اخلاق، کرامت، و روح. مقاله نتیجه می‌گیرد که راه احیاء علم، بازگرداندن حکمت و معنا به مرکز معرفت است.

رانا شیخ، در مقاله موسیقی، درباره تجوید به جنبه‌های کمتر کاوش شده آوایی قرآن می‌پردازد. او توضیح می‌دهد که «موسیقیت» تجوید، نه به معنای موسیقی‌سازی، بلکه به معنای نحوه شکل‌گیری نغمه، وقف، مد و تحریر- واجد نظمی زیباشناختی و معنوی است.

در مقاله پایانی، نویسنده تأملات نصر درباره اقتصاد اسلامی را در پرتوی بحران محیط زیست و بحران معرفتی جهان مدرن بررسی می‌کند. مقاله نشان می‌دهد که نصر از دهه ۱۹۶۰ بحران اکولوژیک را پیش‌بینی کرد و ریشه‌های آن را در جهان‌بینی مکانیکی و سودمحور اقتصاد مدرن دانست. در این تفسیر، مسئله اصلی اقتصاد جهان امروز نه خطای در محاسبه منابع، بلکه انقطاع از مراتب معنوی وجود است. نویسنده توضیح می‌دهد که مفهوم سنتی «اقتصاد» در فرهنگ اسلامی از ریشه «قصد» و «اعتدال» مشتق شده و دربردارنده نوعی اخلاق عملی و نظم روحانی است؛ اقتصاد در این معنا با اخلاق و سیاست پیوند دارد و از آنها جدا نیست. از نظر نصر، هیچ تعادل بیرونی بدون تعادل درونی ممکن نیست، و اقتصاد بدون اخلاق و معنویت به سمت تخریب طبیعت و بی‌عدالتی اجتماعی می‌رود. مقاله بر این نکته تأکید دارد که احیای اقتصاد اسلامی مستلزم احیای نگاه توحیدی به طبیعت، انسان

و جامعه است؛ نگاهی که در آن مصرف، تولید، و مالکیت همگی نسبتی با هدف غایی انسان یعنی قرب الهی دارند.

مقالات این بخش عبارت‌اند از:

۳۸. زائر شاعرانه: تأملات ودانتایی در اشعار «راه» سیدحسین نصر، اثر آنکور باروا؛^۱

۳۹. غیرقدسی‌سازی و غیرانسانی‌سازی: نقد سیدحسین نصر بر علم رایج، اثر کریم ح. کریم؛^۲

۴۰. دیدگاه سیدحسین نصر درباره اقتصاد اسلامی، نوشته ولید الانصاری.^۳

نتیجه

در پایان، باید گفت «کتاب من دل» به‌مثابه یک ارج‌نامه علمی است که سهم عظیم سید حسین نصر در فلسفه اسلامی، عرفان، علم و هنر را به تصویر می‌کشد. مقاله‌های کتاب اثر جامعی را شکل داده‌اند که بر اهمیت میراث فکری اسلامی - سنت عرفانی، فلسفی و علمی - تأکید می‌کنند. نصر، از طریق آثار خود، به این نکته توجه داده است که فهم عمیق سنت اسلامی می‌تواند پاسخ‌هایی به پرسش‌های عصر مدرن، به‌ویژه در زمینه‌هایی مثل علم، اخلاق و زیست‌محیطی، ارائه دهد.

در سراسر مقالات کتاب پیام کلیدی نصر، انعکاس یافته است که علم و معنویت جدایی‌ناپذیرند: علم تنها ابزاری مادی برای استخراج سود و منفعت نیست، بلکه وقتی در بستر اندیشه سنتی قرار گیرد، می‌تواند به درک عمیق‌تری از حقیقت وجود کمک کند. این نوع نگرش، بینش سنتی نصر را برجسته می‌کند که علم مقدس را ضروری می‌داند. بخش‌های شش‌گانه این کتاب که در چهل مقاله در باب علوم مختلف گردآوری شده‌اند، درحقیقت دریچه‌ای به فهم علم مقدس از منظر نصر را شکل داده‌اند.

نصر، علم قدسی را بدیلی می‌داند که در آن طبیعت همچون آیه‌ای الهی فهم می‌شود و شناخت علمی با شناخت معنوی پیوند دارد. علم جدید به جای آنکه ابزارهایی باشد، به سبب فقدان معناگاه به «غیرانسانی‌سازی» می‌انجامد، زیرا هرچه غیرقابل اندازه‌گیری است کنار گذاشته می‌شود: اخلاق، کرامت، و روح.